

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَ
 يُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ الْأَوَّلُ
 وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
 ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ
 مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ
 هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾ لَهُ
 مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٥﴾
 يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ
 عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٦﴾ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا
 مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ
 أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ
 إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ
 بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ
 بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩﴾

تفکر و اندیشه



A (اندیشیدن - اندیشه مانند بذری است که در ذهن جوانه می‌زند، در دل و قلب ریشه می‌دواند و برگ و بار آن به صورت اعمال ظاهر می‌گردد.

اندیشه، بهار جوانی را پرطراوت و زیبا می‌سازد، استعدادها را شکوفا می‌کند و امید به آینده‌ای زیباتر را نوید می‌بخشد. علاوه بر آن می‌تواند برترین عبادت‌ها باشد) **A** پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِدْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ
برترین عبادت، اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

اشاره به معیار خرد ورزی و تعقل گرایی از تمدن اسلامی

این بخش از کتاب به همین عبادت پرداخته است: اندیشه درباره خدا

A. مایه طراوت و زیبایی بهار جوانی و شکوفایی استعدادهای انسان، کدام است؟ توضیح دهید؟

B. مایه طراوت و زیبایی بهار جوانی و شکوفایی استعدادهای انسان، کدام است؟ *کنکور تهرمی ۹۹*

(۱) ادمان التفکر فی الله و فی قدرته (۲) من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار

(۳) كلما زید فی أیمانه زید فی بلائه (۴) أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغنی الحمید





درس اول

هستی بخش



آیا تاکنون برایتان پیش آمده است که در فضایی آرام نشسته و به دور از هیجان و هیاهوی زندگی دربارهٔ این جهان پر جنب و جوش تفکر کرده باشید؟ تفکر دربارهٔ جهان دوردست؛ یعنی آسمان بی کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشید و سیارگان؛ و تفکر دربارهٔ همین جهان نزدیک، یعنی زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبایش.

آیا هرگز دربارهٔ آغاز و پایان این هستی پهناور فکر کرده‌اید؟ به راستی این میلیاردها میلیارد کهکشان و ستاره و سیاره، با میلیاردها موجود متنوع از کجا آمده‌اند؟ موجودات جهان، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟!

۱. ما بر اساس فطرت الهی خویش، می دانیم که در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟

۲. آیا شناخت اولیه از جهانی که در آن زندگی می کنیم کافی است توضیح دهید.

۳. اگر به خودمان نظر کنیم، خود را «پدیده» می یابیم یا «پدیدآورنده» توضیح دهید.

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر کدام از ما، بر اساس فطرت خویش، خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم. به روشنی می دانیم (در جهانی زندگی می کنیم که آفریننده ای حکیم آن را هدایت و پشتیبانی می کند و به موجودات مدد می رساند) (خیر- با وجود این شناخت اولیه، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر درباره خداوند فرامی خواند فرا می خواند و راه های گوناگونی را برای درک وجود او و نیز شناخت صفات و افعال او به ما نشان می دهد. یکی از این راه ها، تفکر درباره نیازمند بودن جهان، در پیدایش خود، به آفریننده است) بیان این راه به شرح زیر است :



۳ (اگر به خود نظر کنیم، خود را پدیده ای می یابیم که وجود و هستی مان از خودمان نیست. در اشیای پیرامون نیز که بیندیشیم، آنها را همین گونه می بینیم؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها، همه را پدیده هایی می یابیم که وجودشان از خودشان نبوده و نیست) ۳

۴ (پدیده ها، که وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیازمند به پدیدآورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد، بلکه وجودش از خودش باشد؛ همان طور که چیزهایی که شیرین نیستند، برای شیرین شدن نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد) عبدالرحمان جامی این معنا را در دو بیت چنین بیان می کند :

نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش

چون تواند که بود هستی بخش^۱

ذات نیافته از هستی، بخش

ناید از وی صفت آب دهی^۲

خشک ابری که بود ز آب تهی

آری (در آفرینش نیز، یک موجود فقط در صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست که خودش ذاتاً موجود باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده نخواهد داشت؛ همواره بوده است و همواره خواهد بود.) ۵

* با توجه به دو مقدمه فوق می توانیم نتیجه بگیریم که ما و همه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هست شدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد و سرچشمه هستی باشد. این وجود برتر و متعالی «خدا» نامیده می شود. ۶

۴. پدیده هایی - که وجودشان از خودشان نیست - برای موجود شدن، نیازمند به چه کسی هستند توضیح دهید؟

۵. در آفرینش، یک موجود فقط در چه صورتی در وجود خود نیازمند به دیگری نیست ؟

۶. ما و همه پدیده های جهان در پدید آمدن و هست شدن خود، به چه کسی نیازمند و محتاجیم؟



۷. نیازمندی جهان به خدا در پیدایش را با ذکر دو مقدمه و یک نتیجه اثبات کنید. دی ۹۸ انسانی

۸. «هر موجودی به آفریننده نیاز دارد» آیا این جمله صحیح است؟ توضیح دهید.

تفکر در متن

توضیحات صفحه قبل را به صورت یک استدلال، به طور خلاصه بنویسید.

۷ (مقدمه اول: ما و این جهان پدیده هایی هستیم که وجودمان از خودمان نبوده و نیست.

مقدمه دوم: موجوداتی که وجودشان از خودشان نیست برای موجود شدن نیازمند پدیده آورنده ای هستند که خودش پدیده نباشد و وجودش از خودش باشد.

نتیجه: ما و همه ی پدیده های جهان، در پدید آمدن خود به آفریننده ای نیازمندیم که خودش پدیده نباشد که آن همان خداوند سرچشمه ی هستی است.) ۷

پاسخ به یک پرسش

برخی می پرسند: چرا موجودات این جهان باید به آفریننده نیاز داشته باشند اما خود آفریننده به خالق نیاز نداشته باشد؟!

در پاسخ می گوئیم: اگر با دقت بیشتر استدلال بیان شده در صفحه قبل را مرور کنیم، متوجه می شویم که جایی برای طرح این سؤال باقی نمی ماند. آن استدلال نمی گوید که «هرموجودی» به آفریننده نیاز دارد. ^۸ (خیر اگر کسی این را بگوید، باید نتیجه بگیرد که خدا هم به آفریننده نیازمند است. نتیجه چنین حرفی این است که هیچ چیزی وجود پیدا نکند، زیرا هر موجودی را که ما فرض کنیم، باید قبل از آن موجودی باشد تا آن را پدید آورد و این سلسله تا بی نهایت پیش خواهد رفت و هیچ گاه، هیچ موجودی پدید نخواهد آمد.) ^۸

به عنوان مثال، در ساختار ساعت، ممکن است ده ها چرخ دنده وجود داشته باشد که هر یک باعث حرکت دیگری می شود. چرخ دنده اول، چرخ دنده دوم را می چرخاند و چرخ دنده دوم چرخ دنده سوم را و... اگر به حرکت این چرخ دنده ها دقت کنید متوجه خواهید شد که موتور درون ساعت علت اصلی حرکت این چرخ دنده هاست که آن موتور برای حرکت خودش، نیاز به هیچ چرخ دنده ای ندارد. حال فرض کنید تعداد این چرخ دنده ها بی نهایت است و همگی در حال چرخیدن هستند. آیا امکان دارد که زنجیره این چرخ دنده ها به هیچ موتوری که حرکت دهنده چرخ دنده ها باشد، نرسد؟

۹ (مثال: در حرکت چرخ دنده های ساعت، امکان ندارد که بی نهایت چرخ دنده در حال چرخیدن باشند ولی هیچ محرک (موتور) مستقل و بی نیازی سبب ایجاد حرکت در آنها نباشد.) ^۹ این همان مفهوم «تسلسل علت ها» است، (یعنی اینکه سلسله علت و معلول ها تا بی نهایت ادامه یابد و به علتی نخستین ختم نشود، و این مطلب از نظر عقلی محال است.) ^۹

۹. تسلسل علت ها به چه معناست؟ مثالی برای آن ذکر کنید.

۱۰. فرض «هر موجودی به آفریننده نیاز دارد» برابر است با مفهوم «تسلسل علت ها». ص ☒ غ ☐



۱۱. هر پدیده‌ای به آفریننده نیاز دارد. ص ☒ غ ☐

۱۲. وجودی که ذاتاً موجود است (خداوند)، نیازی به پدید آورنده ندارد. ص ☒ غ ☐

۱۳. آیا رابطه «جهان» با «خدا» مانند رابطه بنا با مسجد است توضیح دهید؟

با توجه به این نکته، عقل انسان نمی‌گوید که هر موجودی به آفریننده نیاز دارد، همان‌طور که نمی‌گوید تمام چیزهای شیرین، حتی شکر و قند، نیازمند به یک شیرین‌کننده هستند، بلکه ذهن ما اگر موجودی را ببیند که قبلاً نبوده و بعد پدید آمده، در اینجا می‌گوید «پدیده» نمی‌تواند خود به خود پدید آید و حتماً آفریننده‌ای آن را پدید آورده است. همان‌طور که ذهن ما نمی‌پذیرد که یک پدیده بدون پدیدآورنده باشد همان‌طور هم، برعکس، نمی‌پذیرد وجودی که ذاتاً موجود است نیازی به پدیدآورنده داشته باشد.

نیازمندی جهان به خدا در بقا

شما حتماً نام مسجد گوهرشاد را که در جوار حرم مطهر امام رضا علیه السلام، است، شنیده‌اید. شاید بارها آن را دیده و در آن نماز خوانده‌اید. این مسجد یکی از شاهکارهای هنر ایرانی بازمانده از دوره تیموریان است و جاذبه زیادی برای گردشگران و زائران دارد. این مسجد باشکوه همچنان باقی است، اما از معمار و بنا و کارگرانی که آن را با عشق و هنر بنا کرده‌اند خبری نیست. آیا رابطه خدا با جهان نیز مانند رابطه بنا با مسجد است؟

اگر اندکی دقت کنیم، درمی‌یابیم که ^{۱۳} (یک تفاوت بنیادین میان این دو رابطه وجود دارد. مسجد گوهرشاد از مصالح ساختمانی مانند خاک و سنگ و گچ و چوب و کاشی و... تشکیل شده که هیچ کدام از آنها را بنا به وجود نیآورده است. هریک از این مصالح نیز خواصی دارند که بنا آن را ایجاد نمی‌کند. بنا نه چسبندگی گچ را ایجاد می‌کند و نه سختی و استحکام سنگ را؛ به عبارت دیگر بنا نه اجزای ساختمان را پدید آورده و نه خواص آن اجزا را. کار بنا فقط جابه‌جا کردن مواد و چینش آنها است. اما خداوند، خالق سنگ و گچ و چوب، و خواص آنها و حتی خالق خود بنا است. بر این اساس وجود بنا و نیز وجود مصالح و خواص آنها، همه وابسته به خداست و خداوند هر لحظه اراده کند، آنها از بین می‌روند و ساختمان تلاشی می‌گردد. به همین جهت، جهان همواره و در هر «آن» به خداوند نیازمند است و این نیاز هیچ‌گاه قطع یا کم نمی‌شود.) ^{۱۳}

^{۱۴} (به عنوان مثال می‌توان گفت که رابطه خداوند با جهان، تا حدی شبیه رابطه مولّد برق با جریان برق است؛ همین که مولّد متوقف شود جریان برق هم قطع می‌گردد و لامپ‌های متصل به آن نیز خاموش می‌شوند.) ^{۱۴} بنابراین، (مسجد با ساخته شدن، از بنا بی‌نیاز می‌شود اما موجودات چنین نیستند و پس از پیدایش نیز همچنان، مانند لحظه نخست خلق شدن، به خداوند نیازمند هستند. از این رو دائماً با زبان حال، به پیشگاه الهی عرض نیاز می‌کنند.) ^{۱۶}

۱۴. به عنوان مثال رابطه خداوند با «جهان»، تا حدی شبیه کدام نوع رابطه است؛ بنویسید

۱۵. رابطه خدا با انسان مانند رابطه مسجد با سازنده آن است که قطع نمی‌شود. ص ☐ غ ☒

۱۶. تفاوت مسجد و ساختمان را با پدیده‌ها و موجودات در مرحله پیدایش مقایسه نمایید.



۱۷. تفاوت انسانهای نا آگاه و انسانهای آگاه به نسبت به نیازهای دائمی به خداوند را بنویسید.

۱۸. هر چه معرفت انسان به خود و رابطه اش با خدا بیشتر شود، چه نتایجی در پی خواهد داشت؟

۱۹. چرا پیامبر اسلام (ص) عاجزانه از خدا درخواست می کند که حتی یک لحظه او را به حال خود واگذار نکند؟

فرداد ۹۹ تهرینی

زبان حال موجودات را مولوی این گونه بیان می کند :

ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست

تا که ما باشیم با تو در میان

تو وجود مطلق، فانی نما

حمله مان از باد باشد دم به دم^۲

ما چو نایم و نوا در ما زتوست

ما که باشیم ای تو ما را جانِ جان

ما عدم هاییم و هستی های ما

ما همه شیران ولی شیر عَلم^۱

تمام ابیات:

فقر مطلق موجودات

نسبت به خداوند

تدبّر در قرآن

در آیات زیر تدبّر کنید و به سؤالات پاسخ دهید.

ای مردم

بی نیازی ذاتی خداوند

■ يَا أَيُّهَا النَّاسُ

أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ

وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ^۳

شما به خداوند نیازمند هستید

و خدا است که [تنها] بی نیاز و ستوده است.

نیازمندی موجودات به خداوند در پیدایش و بقا

هر آنچه در آسمان ها و زمین است، پیوسته از او

درخواست می کند.

■ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

نیازمندی دائمی موجودات به خداوند

در پیدایش و بقا

او همواره دست اندرکار امری است

→ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ^۴

توحید در ربوبیت

۱- فکر می کنید چرا موجودات پیوسته از خداوند درخواست دارند؟ پاسخ پایین صفحه

۲- نیاز انسان به خدا شامل چه چیزهایی می شود؟ پاسخ پایین صفحه ← فرداد ۹۹ انسانی و فرداد ۹۹ تهرینی

۳- چرا خداوند هر لحظه دست اندرکار امری است؟ پاسخ پایین صفحه

آگاهی، سرچشمه بندگی

۱۷) انسان های نا آگاه نسبت به نیاز دائمی انسان به خداوند، بی توجه اند؛ اما انسان های آگاه دائماً سایه لطف و

رحمت خدا را احساس می کنند و خود را نیازمند عنایات پیوسته او می دانند (۱۷) (هرچه معرفت انسان به خود

و رابطه اش با خدا بیشتر شود، نیاز به او را بیشتر احساس و ناتوانی و بندگی خود را بیشتر ابراز می کند) (۱۹)

افزایش خودشناسی ← درک بیشتر فقر و نیاز ← افزایش بندگی (۱۸)

پاسخ سوال ۱ تدبّر بالا: چون همه موجودات برای لحظه لحظه وجود خود محتاج و نیازمند خداوند و اگر خداوند لحظه ای

آنان را به حال خود واگذارد همه نیست و نابود می شوند.

پاسخ سوال ۲ تدبّر بالا: نیاز در وجود و پیدایش - نیاز در بقا. انسان هر چه دارد از خدا دارد سر تا پا نیازمند خداوند است.

پاسخ سوال ۳ تدبّر بالا: به دلیل نیازهای دائمی موجودات، خداوند هر لحظه دارای فیضی جدید و مستمر برای

آفریده ها است. خداوند، همواره امور هستی را تدبیر و اداره می کند. بنابر این او هر لحظه دست اندر کار امری است.



۲۰. قرآن کریم، رابطه میان «خداوند» و «جهان هستی» را با چه کلمه ای بیان می کند؟ پاسخ: نور

۲۱. نور چیست؟

۲۲. نور بودن خداوند به چه معناست؟

برای همین است که پیامبر گرامی ما، با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزانه از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم، لطف و رحمت خاصش را از او نگیرد و او را به حال خود واگذار نکند:

اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا؛ خدایا هیچ گاه مرا چشم به هم زدنی به خودم وامگذار.^۱

درک بیشتر فقر و نیازمندی به خدا معلول خودشناسی بیشتر است

نور هستی < افزایش بندگی معلول درک بیشتر فقر و نیازمندی به خدا است.

قرآن کریم، رابطه میان خداوند و جهان هستی را با کلمه ای بیان می کند که در نظر اول برای ما شگفت انگیز می نماید. اما پس از تفکر دقیق به معنای آن پی می بریم؛ قرآن کریم می فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ^۲... موجودات جهان تجلی بخش خداوند

ما با نور خورشید، نور لامپ و انواع نورهای دیگر آشنا هستیم و می دانیم که خداوند از نورهایی

نیست که از اجسام ناشی می شوند، یعنی منشأ مادی دارند. پس، نور بودن خداوند به چه معناست؟

۲۱ (نور آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکار شدن چیزهای دیگر نیز می شود) نورهای معمولی هم این خاصیت را دارند که خودشان آشکارند و سبب آشکار شدن اشیای دیگر هم می شوند.

۲۲ (خداوند نور هستی است. یعنی تمام موجودات، «وجود» خود را از او می گیرند، به سبب او پیدا و آشکار شده و پا به عرصه هستی می گذارند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت، هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود. درواقع، هر موجودی در حدّ خودش تجلی بخش خداوند و نشانگر حکمت، قدرت، رحمت و سایر صفات الهی است) از^۳ همین رو آنان که به دقت و اندیشه در جهان هستی می نگرند، در هر چیزی خدا را مشاهده می کنند و علم و قدرت او را می بینند.

دلی کز معرفت نور و صفا دید و به تعبیر بابا طاهر:

مشهود بودن خداوند در نظام هستی با دقت و اندیشه

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به هر جا بنگرم کوه و در و دشت

به هر چیزی که دید، اول خدا دید^۴

به دریا بنگرم دریا تو بینم

نشان از قامت رعنا تو بینم^۴

۱- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۷۴.

۲- سوره نور، آیه ۳۵.

۳- گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۴- بابا طاهر، دو بیت شماره ۱۶۲.



۲۳. اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، چگونه قابل دسترسی و تحقق است؟

۲۴. چرا نوجوانان و جوانان در معرفت خداوند موفق تر هستند؟ پاسخ: پاکی و صفای قلب شهریور ۹۸ انسانی

۲۵. موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، چند دسته اند؟ آنها را بنویسید.

تفکر در حدیث

مشهود بودن خداوند در نظام هستی با دقت و اندیشه

امام علی علیه السلام می فرماید : ترجمه: هیچ چیز را ندیدم مگر اینکه خداوند را قبل و بعد و با آن دیدم

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ، وَ بَعْدَهُ، وَ مَعَهُ،

مقصود امام علی علیه السلام از اینکه می فرماید قبل و بعد و همراه هر چیزی خدا را دیدم چیست؟

این حدیث امام علی (ع) بیانگر نیازمندی همیشگی موجودات به خداوند است

قبل پدیده ها یعنی آن ها روزی نبوده اند و وجودشان را از خدا گرفته اند

همراه پدیده های یعنی آن ها در بقا هم وابسته و نیازمند خدایند

بعد پدیده ها یعنی تنها خداست که خالق موت و حیات است پس در نابودی آن پدیده نیز خدا را مشاهده می کنند .

۲۳) اینکه انسان بتواند با هر چیزی خدا را ببیند، معرفتی عمیق و والاست که در نگاه نخست مشکل به

نظر می آید، اما هدفی قابل دسترس است، به خصوص برای جوانان و نوجوانان که پاکی و صفای قلب

دارند) اگر قدم پیش گذاریم و با عزم و تصمیم قوی حرکت کنیم، به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد

و لذت چنین معرفتی را به ما خواهد چشاند.

ناتوانی در شناخت ذات و چیستی خداوند

اکنون ممکن است برای شما این سؤال پیش آید که آیا می توان به ذات خداوند پی برد و چیستی او

را مشخص کرد؟

در پاسخ می گویم : موضوعاتی که می خواهیم درباره آنها شناخت پیدا کنیم، دو دسته اند :

۲۵) دسته اول موضوعاتی هستند که در محدوده شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوانات،

ستارگان و کهکشان ها؛ حتی کهکشان های بسیار دور هم ممکن است روزی شناسایی شوند و انسان

بتواند به ماهیت و ذات آنها دست یابد. در حقیقت، ذهن ما توان و گنجایش فهم چیستی و ذات چنین

موضوعاتی را دارد، زیرا همه آنها اموری محدود هستند.

دسته دوم موضوعاتی هستند که نامحدودند و ذهن ما گنجایش درک آنها را ندارد؛ ۲۶) زیرا لازمه

شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن است. در واقع، ما به دلیل محدود بودن ذهن خود

نمی توانیم ذات امور نامحدود را تصور کنیم و چگونگی وجودشان را دریابیم) ۲۵) خداوند حقیقتی

نامحدود دارد؛ در نتیجه، ذهن ما نمی تواند به حقیقت او احاطه پیدا کند و ذاتش را شناسایی

نماید) ۲۶) باین، با اینکه ما به وجود خداوند به عنوان آفریدگار جهان پی می بریم و صفات او را

۲۸

۲۶. چرا نمی توان به ذات خدا پی برد و چیستی او را مشخص کرد؟ فروردار ۹۸ انسانی

شکل دوم سوال : چرا ذهن ما نمی تواند به حقیقت خداوند احاطه پیدا کرده و ذاتش را شناسایی نماید؟

۲۷. خداوند حقیقتی نامحدود دارد و انسان می تواند به حقیقت او احاطه پیدا کرده و ذاتش را بشناسد. ص ☐ غ ☒ فروردار ۹۹ تهری

۲۸. علت ناتوانی انسان در شناخت ذات و چیستی خداوند را بنویسید. دی ۹۸ تهری



۲۹. ما با تفکر می توانیم به خداوند پی ببریم اما به دلیل محدود بودن ذهن مان نمی توانیم

خداوند را دریابیم. پاسخ: وجود داشتن و صفات - ذات و چیستی

می توانیم بشناسیم، اما نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم؛ از همین رو پیامبر اکرم ﷺ فرموده است :

تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ^۱

مجاز بودن تفکر در مورد وجود داشتن خداوند و صفاتش
ممنوعیت تفکر در ذات و چیستی خداوند

دانش تکمیلی

اگر می خواهید در موارد زیر اطلاعات بیشتری به دست آورید، به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی دفتر برنامه ریزی و تألیف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید :

۱- آشنایی با دلایلی درباره وجود خداوند

۲- پاسخ به این پرسش که : آیا نظریه تکامل داروین و یا نظریه بیگ بنگ می تواند به مباحث خداشناسی لطمه ای بزند؟

پاسخ به یک پرسش

چگونه می توان خدا را دید؟

۳۲ (رؤیت خداوند با چشم غیر ممکن است، زیرا چشم ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیا می تواند عکس برداری کند؛ آن هم اشیا یی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند؛ مثلاً چشم ما نورهای مادون قرمز و ماورای بنفش را نمی بیند. بنابراین، چشم حتی توانایی دیدن همه اشیا ی مادی را هم ندارد، چه برسد به موجودات غیر مادی (مانند فرشتگان) و از این بالاتر به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. بنابراین، خداوند را نه تنها در این دنیا نمی توان با چشم مادی دید، بلکه در آخرت نیز نمی توان او را با این چشم مشاهده کرد) ۳۲

چشم ها او را در نمی یابند

و اوست که دیدگان را در می یابد

و او لطیف و آگاه است

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ

وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^۲

ناتوانی انسان
در دیدن خداوند
با چشم مادی

فردوسی، شاعر حماسه سرا، در ابتدای شاهنامه با الهام از قرآن کریم و امامان بزرگوار، همین معانی را در قالب شعر به ما رسانده است. او می گوید :

کزین برتر اندیشه برنگذرد

به نام خداوند جان و خرد

خداوند روزی ده رهنمای

خداوند نام و خداوند جای

۳۰. چرا رسول خدا (ص) می فرماید : « در همه چیز تفکر کنید ولی در ذات خداوند تفکر نکنید »؟ شهریور ۹۸ تهری

پاسخ: چون نمی توانیم ذات و چیستی او را دریابیم.

۳۱. ثمره درک نیازمندی به خدای بی نیاز چیست؟ پاسخ: افزایش عبودیت و بندگی شهریور ۹۸ تهری

۳۲. آیا می توان خداوند را با چشم مشاهده کرد؟



۳۳. با کدام نوع دیدن می توان خدا را مشاهده کرد؟

پاسخ: دیدن به وسیله ی قلب و ملاقات با خداست که این از برترین هدف های زندگی است.

خداوند کیوان و گردان سپهر	فروزنده ماه و ناهید و مهر
ز نام و نشان و گمان برترست	نگارنده بر شده گوهر است ^۱
به بینندگان آفریننده را	بینی، مرنجان دو بیننده را ^۲
نیابد بدو نیز اندیشه راه	که او برتر از نام و از جایگاه ^۳
خرد گر سخن برگزیند همی	همان را گزیند که بیند همی
ستودن نداند کس او را چو هست	میان بندگی را بیایدت بست ^۴

ناتوانی انسان در شناخت و دیدن خداوند با چشم مادی

اما نوعی از دیدن وجود دارد که نه تنها امکان پذیر است، بلکه از برترین هدف های زندگی است و هر کس باید برای رسیدن به چنین دیدنی تلاش کند. این مرتبه، دیدن به وسیله «قلب» و ملاقات با خداست.

دوست نزدیک تر از من به من است	وین عجب تر که من از وی دورم
چه کنم با که توان گفت که دوست	در کنار من و من مهجورم ^۵

غفلت از حضور دائمی خداوند و امکان دیدن او به وسیله ی قلب

اندیشه و تحقیق



با وجود شباهت های ظاهری رابطه خدا و جهان با رابطه ساعت ساز و ساعت، تفاوت های این دو رابطه را بنویسید.

۱. وجود جهان از خداست اما وجود ساعت از ساعت ساز نیست و او فقط اجزای ساعت را تنظیم می کند.

۲. دوام و بقای ساعت، وابسته به ساعت ساز نیست اما بقای جهان وابسته به خداوند است.

۱- او از خیال و تصور ما برتر است. او پدیدآورنده و به تصویر کشاننده برتر گوهر عالم وجود است. مصور که به معنی صورت دهنده و نقاش است، یکی از نام های خدا در قرآن کریم است.

۲- به وسیله چشم ها نمی توانی آفریننده را ببینی. پس دو چشم خود را به زحمت نینداز.

۳- اندیشه و فهم انسان نمی تواند او را درک کند. او برتر از هر توصیفی است و تعالی است که ما به او بدهیم (سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ)

۴- کسی نمی تواند او را آن گونه که هست بستاید. پس باید کمر بندگی را محکم بست و او را عبادت کرد.

۵- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان.

